



اتوبوس آرام آرام به راه می افتد.  
سرم را به صندلی اتوبوس تکیه می دهم و به فکر فرو می روم.  
مدت ها بود که آرزوی زیارت کربلا و دیگر شهرهای زیارتی عراق را داشتم. همیشه  
دعا می کردم و این سفر را از خدا می خواستم؛ تا اینکه امسال آرزویم برآورده شد.  
خدا را شکر می کردم. باورم نمی شد! زیارت چند امام مهربان در یک سفر!  
به گنبد های طلایی دو طرف خیابان بین الحرمین\* نگاه می کنم  
و در دلم از امام حسین - علیه السلام - و حضرت ابوالفضل - علیه السلام - خدا حافظی  
می کنم.

چه لحظه ی سختی است! لحظه ی جدایی!  
اتوبوس از شهر کربلا به مقصد شهر کاظمین خارج می شود. از پنجره ی اتوبوس به اطراف  
جاده نگاه می کنم؛ به خانه ها، ماشین ها، نخل ها و....

\* بین الحرمین: فاصله میان حرم امام حسین - علیه السلام - و حرم  
حضرت ابوالفضل - علیه السلام - در کربلا



کم کم چشمانم سنگین می شود و به خواب می روم.

\*\*\*

صدای پدرم را می شنوم. مرا صدا می زند.

آرام چشمم را باز می کنم. حرمی با شکوه، با دو گنبد و گل دسته های طلایی در وسط شهر مانند نگینی می درخشد. چشم های خیس زائران به این منظره دوخته شده بود.

راهنمای کاروان بر ایمن گفت: «اینجا حرم مطهر امام موسی کاظم - علیه السلام - و

امام جواد - علیه السلام - است. این دو امام عزیز در زمان حاکمان عباسی زندگی

می کردند و با آن حاکمان ظالم مبارزه می کردند. امام موسی کاظم - علیه السلام - به دستور

هارون الرشید چهارده سال را در زندان سپری کرد. ایشان برای راهنمایی مردم

سختی های زیادی کشید.»

به صورت دسته جمعی به سوی حرم حرکت کردیم.

چیزی به تحویل سال نمانده بود؛ در کنار پدرم وارد حرم شدیم و با احترام سلام دادیم:

- السلام عليك يا موسى بن جعفر ...

- السلام عليك يا امام جواد ...

لحظه ی زیبایی بود. بوی عطر و صدای صلوات همه جا پیچیده بود. همه به یکدیگر تبریک

می گفتند و شکلات پخش می کردند.

هر وقت به یاد آن روزهای اقامت، شیرین ترین خاطرات زندگی در ذهنم مرور می شود.

گام به گام هدیه ها صفحه به صفحه طراح: سمیرا ابوالقاسمی

## برایم بگو

### هفتمین امام

امام موسی کاظم - علیه السلام - چندمین امام است؟ آیا مطلبی درباره ی ایشان شنیده اید یا خاطره ای از زیارت ایشان دارید؟

ایشان در محلی بین مکه و مدینه به دنیا آمدند. نام مادر ایشان حمیده بود. امام موسی کاظم (ع)

به «عبد صالح» و هم چنین «کاظم» مشهور هستند. ایشان در ۲۰ سالگی به امامت رسیدند و مدت

امامتشان ۳۵ سال طول کشید. توسط هارون الرشید زندانی شدند و مرقدشان در کاظمین است.

## تدبّر کنیم

وَ الْكَافِرِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ

نیکوکاران کسانی هستند که خشم خود را فرو می‌برند و خطاهای دیگران را می‌بخشند.

سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۳۴

به داستانی که آموزگار برای شما تعریف می‌کند، گوش کنید.\* میان این آیه، داستان و لقب امام هفتم چه ارتباطی وجود دارد؟ **باید خشم خود را فرو ببریم و همیشه با ظلم و ستم مبارزه کنیم و هیچ وقت با ظالمان همکاری نکنیم و وقتی کسی خطایی می‌کند با آرامش خطای او را توضیح دهیم و او را متوجه اشتباهش کنیم.**

## به کار بندیم

دوست دارم من هم مانند امام موسی کاظم – علیه السلام – خشم خودم را کنترل کنم؛ بنابراین ...

وقتی در حال انجام دادن تکالیفم هستم و دوستم، دستم را خط می‌زند، .....  
با آرامش از او می‌خواهم بیشتر احتیاط کند.

وقتی دوستم به قولی که به من داده است، عمل نمی‌کند، .....  
قولش را به او یادآوری می‌کنم و از او می‌خواهم به قولش عمل کند.

وقتی خواهر کوچکم بدون اجازه به وسایل من دست می‌زند، .....  
با او بدرفتاری نمی‌کنم و از مادرم می‌خواهم با او صحبت کند.

\*آموزگار محترم می‌تواند با مراجعه به راهنمای معلم، داستان مربوط به این فعالیت را در کلاس تعریف کند.

## حفظ آبرو

امام موسیٰ کاظم - علیه السلام - با کارگرانش در نخلستان خود مشغول کار بود که بحث و دعوای دو کارگر توجه او را جلب کرد.

کارگر اول فریاد می‌زد: «خودم دیدم خوشه‌های خرما را پشت دیوار انداختی تا آنها را برای خودت برداری و بفروشی!»

امام که متوجه ماجرا شده بود، همراه با کارگر دوم چند قدم از بقیه دور شد و از او پرسید: «تو این کار را کردی؟»

کارگر که خجالت کشیده بود، سرش را پایین انداخت و گفت: «مرا ببخشید! شیطان وسوسه ام کرد؛ دیگر این کار را تکرار نمی‌کنم.»

امام کمی سکوت کرد و بعد، کارگر دیگر را صدا زد؛ سپس با آرامش گفت: «این مرد مانند



برادرتوست. او اشتباهی کرده‌است و دیگر آن را تکرار نمی‌کند. تو هم قول بده این ماجرا را برای کسی تعریف نکنی و آبروی دوست خود را نگه داری!»  
آن مرد که از رفتار امام موسیٰ کاظم - علیه‌السلام - شرمسار شده بود با چشم‌هایی پر از اشک به امام نگریست و با خود گفت: ...  
اکنون به این پرسش‌ها پاسخ دهید.

● چه عنوانی برای داستان پیشنهاد می‌کنید؟ **حفظ آبرو**

● میان این داستان و آیه‌ی درس چه ارتباطی وجود دارد؟

**خداوند در آیه سفارش می‌کند که خطاهای دیگران را ببخشیم، امام موسیٰ کاظم (ع) هم خطای کارگر را بخشیدند.**

● فکر می‌کنید وقتی آن مرد خطاکار رفتار امام را دید با خود چه گفت؟

امام می‌توانست مرا به خاطر کار اشتباه به زندان بیندازد ولی مرا بخشید و آبروی من را حفظ کرد پس من دیگر اشتباه نمی‌کنم تا جبران محبت امام را بکنم.  
● از رفتار امام با آن دو کارگر چه چیزهایی یاد می‌گیریم؟

.....**خطاهای دیگران را ببخشیم.**

.....**آبروی دیگران را حفظ کنیم.**

.....**درباره دیگران زود قضاوت نکنیم.**

### ایستگاه خلاقیت

یکی از داستان‌های مربوط به زندگی امام کاظم - علیه‌السلام - را به صورت نمایش در کلاس اجرا کنید.